



اتحاد با مسیح اصل بنیادین نجات

حمید حاتمی

اتحاد با مسیح یکی از عمیق‌ترین و فراگیرترین آموزه‌ها در الهیات اصلاحات است که تمامی رابطه‌ی ایمان‌داران را با مسیح دربرمی‌گیرد. این اتحاد تنها یک مفهوم انتزاعی الهیاتی نیست؛ بلکه واقعیتی پویا و تحول‌آفرین است که ایمان‌داران را از طریق حضور درونی روح القدس به مسیح پیوند می‌دهد. برخلاف ایده‌ای که به درک فکری محدود شود، اتحاد با مسیح هر جنبه‌ای از وجود ایمان‌داران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هویت، هدف و رشد روحانی او را دگرگون می‌سازد. از طریق این اتحاد، ایمان‌داران کاملاً در مسیح قرار می‌گیرند و درمی‌یابند که هر جنبه از نجات—از عادل شمردگی و فرزندخواندگی تا تقدیس، پایداری و جلال—از طریق کار نجات‌بخش او انجام می‌شود و به واسطه‌ی شفاعت مستمر او پایدار می‌ماند. این حقیقت به کزات توسط پولس رسول تأکید شده است که با استفاده از عباراتی مانند «در مسیح» (رومیان ۸: ۱-۲)، «با مسیح» (غلاطیان ۲: ۲۰) و «از طریق مسیح» (افسیسیان ۱: ۴-۱۳؛ فیلیپیان ۴: ۱۳)، عمق و مرکزیت این اتحاد را نشان داده و آن را به‌عنوان بنیان هویت، رشد روحانی و امنیت ابدی نجات ایمان‌داران معرفی می‌کند.

در الهیات اصلاحات، اتحاد با مسیح اصلی بنیادین است و به‌عنوان وسیله‌ای عمل می‌کند که تمامی عناصر نجات در رابطه‌ی شخص ایمان‌داران با عیسی ادغام می‌شوند. این پیوند، اما، فراتر از تجربه‌ی فردی ایمان‌داران است و از هدف و اراده‌ی ابدی خدا و وعده‌های او در عهد، قدرت، و اطمینان می‌گیرد. همان‌طور که در اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر بیان شده است، «خدا از ازل، با حکمت کامل و اراده‌ی کاملاً مقدس خود، آزادانه و به‌گونه‌ای تغییرناپذیر، همه چیز را که به وقوع می‌پیوندد، مقدر و مقرر فرموده است» (فصل ۳، بخش ۱). بنابراین، اطمینان اتحاد با مسیح در طرح حکیمانه و حاکمیت مطلق خدا استوار است. کلام خدا تعلیم می‌دهد که خدا «چنان‌که ما را پیش از بنیاد عالم در او برگزید تا در حضور او در محبت، مُقَدَّس و بی‌عیب باشیم.» (افسیسیان ۱: ۴). این برگزیدگی ابدی، فیض حاکم خدا را نشان می‌دهد و نشان می‌دهد که اتحاد با مسیح به وسیله‌ی تلاش انسانی آغاز نمی‌شود، بلکه هدیه‌ای الهی از محبت و رحمت ازلی و ابدی او است. این حقیقت، که در عهد ابدی خدا ریشه دارد، ایمان‌داران را اطمینان می‌بخشد که آنان در مسیح به امنیت ابدی دست یافته‌اند و از محبتی پشتیبانی می‌شوند که «نه مرگ و نه حیات... قادر به جدا کردن ما از آن نیست» (رومیان ۸: ۳۸-۳۹).

مفهوم اتحاد با مسیح، که هر برکت نجات را در بر می‌گیرد، در عهد نجات به طور مستحکمی ریشه دارد. این عهد پیش از آفرینش در درون تثلیث اقدس نشان می‌دهد که پدر قومی را برای نجات تعیین کرد، پسر پذیرفت که آنان را نجات بخشد و روح القدس این نجات را در زندگی آنان به اجرا در می‌آورد (یوحنا ۱۷: ۶-۱۰؛ تیطوس ۱: ۲). جان کلوبین این ساختار عهدی را اساسی برای درک اتحاد ایمان‌داران با مسیح می‌داند و اظهار داشت که «تمام نجات و همه اجزای آن در مسیح درک می‌شوند» و «باید همه



اجزای نجات را فقط در مسیح بجوییم.» این عهد پایه‌ای برای درک این حقیقت است که هر برکت روحانی، هر لحظه از فیض و هر وعده‌ی حیات ابدی از طریق اتحاد با مسیح به ایمان‌داران منتقل می‌شود و هدف و اراده‌ی ابدی خدا را برای نجات، تقدیس و بنای قومش، و همچنین جلال خویش تحقق می‌بخشد.

علاوه بر این، پرسش و پاسخ‌های جامع وست‌مینستر جامعیت این اتحاد را در پرسش ۶۶ به تصویر می‌کشد و بیان می‌کند که «اتحادی که برگزیدگان با مسیح دارند، کار فیض خداست که به واسطه‌ی آن، آنان به صورت روحانی و اسرارآمیز، اما واقعی و جدانشدنی، به مسیح به‌عنوان سر و شوهر خود پیوسته‌اند.» این پیوند اسرارآمیز و جدانشدنی تضمین می‌کند که ایمان‌داران به مسیح در رابطه‌ای پیوسته‌اند که قابل شکستن نیست و از آیاتی چون یوحنا ۱۰: ۲۸ الهام می‌گیرد، جایی که عیسی اطمینان می‌دهد: «و من به آن‌ها حیات جاودانی می‌دهم و تا به ابد هلاک نخواهند شد، و هیچ‌کس آن‌ها را از دست من نخواهد گرفت.» در این عهد ابدی، ایمان‌داران هدف و امنیت نهایی خود را می‌یابند که در وفاداری خدا به وعده‌هایش استوار است.

بنابراین، اتحاد با مسیح هر عنصر از زندگی مسیحی را به هم پیوند می‌دهد و عادل‌شمردگی، فرزندخواندگی، تقدیس، و در نهایت جلال را به‌عنوان برکات نجات به کسانی که در مسیح هستند می‌بخشد. تعالیم پرسش و پاسخ‌های هایدلبرگ بر آسایشی که از این اتحاد به دست می‌آید تأکید دارد و تأیید می‌کند که ایمان‌داران «با جسم و روح، هم در حیات و هم در مرگ، به نجات‌دهنده‌ی وفادار خود عیسی مسیح تعلق دارند» (پرسش و پاسخ‌های هایدلبرگ، پرسش و پاسخ ۱). هنگامی که ایمان‌داران این اتحاد را تجربه می‌کنند، در فیض رشد کرده و هدف خود را که همانا جلال خدا است، با اطمینان از تعلق به خانواده‌ی ابدی خدای تثلیث اقدس زندگی می‌کنند. این اطمینان، ایمان‌داران را به رابطه‌ای عمیق با خدا دعوت می‌کند و آنان را به ماندن در مسیح فرا می‌خواند، محبتی که آنان را تبدیل و پایدار می‌سازد.

بنیاد ابدی اتحاد با مسیح

آموزه‌ی اتحاد با مسیح در فهم الهیات اصلاحات، در طرح ابدی خدا برای نجات تنیده شده است، به‌ویژه در آموزه‌های برگزیدگی و عهد نجات. پولس در افسسیان ۱: ۴ این حقیقت عمیق را تصریح می‌کند و می‌گوید: «چنان‌که ما را پیش از بنیاد عالم در او برگزید تا در حضور او در محبت، مُقَدَّس و بی‌عیب باشیم»، که نشان می‌دهد اتحاد با مسیح تنها بر فیض حاکم خدا استوار است و از هرگونه شایستگی یا عمل انسانی مستقل می‌باشد. این مفهوم برگزیدگی حاکمانه، که در اندیشه‌ی اصلاحات بنیادی است، به ایمان‌داران اطمینانی عمیق می‌دهد که پیوندشان با مسیح خدشه‌ناپذیر است و در ذات تغییرناپذیر خدا و هدف و اراده‌ی ابدی او برای نجات برگزیدگان ریشه دارد (رومیان ۸: ۲۹-۳۰). این برگزیدگی به جای اینکه واکنشی به انتخاب انسانی باشد، عملی الهی از فیض است که ایمان‌داران را از ازل تا ابد در مسیح استوار می‌سازد. چنان‌که پولس در ۲ تیموتائوس ۱: ۹ تأکید می‌کند: «که ما را نجات داد و به دعوت مُقَدَّس خواند، نه به حسب اعمال ما، بلکه بر حسب اراده‌ی خود و آن فیضی که قبل از قدیم‌الایام در مسیح عیسی به ما عطا شد». این مفهوم در ایمان‌داران احترامی همراه با هیبت ایجاد می‌کند، چرا که درمی‌یابند نجاتشان عطیه‌ای است که به واسطه‌ی فیض پایدار خدا، نه نیروی انسانی، حفظ می‌شود.



حال عهد نجات، لایه‌ای دیگر به این بنیاد ابدی اضافه می‌کند و عهدی پیش‌از‌آفرینش را در درون الوهیت معرفی می‌کند. طبق این عهد، پدر قومی را برای نجات تعیین کرد، پسر با رضایت پذیرفت که آنان را نجات بخشد و روح القدس این نجات را در زندگی آنان به اجرا در می‌آورد (یوحنا ۱۷: ۶-۱۰، ۲۴؛ تیطوس ۱: ۲). این عهد، وحدت و هماهنگی در تثلیث اقدس را نشان می‌دهد، جایی که هر یک از سه اقنوم تثلیث اقدس فعالانه در تضمین نجات برگزیدگان مشارکت دارند. همان‌طور که در مزامیر ۲: ۷-۸ بیان شده است: «خداوند به من گفته است، تو پسر من هستی امروز تو را تولید کردم.»، این آیه به زیبایی تعهد پدر به پسر و وعده‌ی نجات برگزیدگان را بیان می‌کند. پسر این عهد را با پذیرش طبیعت انسانی، زندگی بی‌گناه و در نهایت با تقدیم خود به‌عنوان قربانی کفاره‌ای برای قوم خود به انجام می‌رساند (یوحنا ۶: ۳۷-۴۰؛ عبرانیان ۱۰: ۵-۱۰). همان‌طور که جان کلونین می‌گوید: «تمام نجات ما و تمامی اجزای آن در مسیح درک می‌شود»، تأکید می‌کند که طرح خدا برای نجات بشر کامل و متمرکز در مسیح است و به‌طور دقیق از طریق ساختار عهدی به انجام می‌رسد.

ماهیت ابدی این عهد به ایمان‌داران اطمینان می‌بخشد که اتحاد با مسیح یک اندیشه‌ی صرف و تصادفی نیست، بلکه نتیجه‌ی نهایی طرح و اراده‌ی هدفمند و تغییرناپذیر خدا برای نجات و تقدیس برگزیدگانش است. در این چارچوب عهدی، ایمان‌داران درمی‌یابند که اتحادشان با مسیح از وعده‌ی وفادار و شکست‌ناپذیر خدا سرچشمه می‌گیرد. عیسی در دعای کاهنانه‌ی خود این قصد الهی را بیان می‌کند و می‌گوید: «پدر می‌خواهم آنانی که به من داده‌ای با من باشند در جایی که من می‌باشم تا جلال مرا که به من داده‌ای ببینند، زیرا که مرا پیش از بنای جهان محبت نمودی» (یوحنا ۱۷: ۲۴). این دعا هدف عهد را بیان می‌کند: اتحادی ابدی که در آن ایمان‌داران نه تنها با مسیح خواهند بود، بلکه به افتخار مشارکت در جلال او نایل خواهند آمد.

این درک عهدی از برگزیدگی و تعهد الهی، اطمینانی عمیق و شکست‌ناپذیر به ایمان‌داران می‌بخشد. اتحاد با مسیح که در محبت ابدی و وعده‌ی عهدی خدا ریشه دارد، پیوندی است که از ضعف‌های انسانی و هر شرایط دنیوی فراتر می‌رود. اعلام پولس در رومیان ۸: ۳۸-۳۹—که هیچ چیز «قادر نیست ما را از محبت خدا که در خداوند ما مسیح عیسی است، جدا سازد»—به‌طور قدرتمندانه بر این اتحاد شکست‌ناپذیر تأکید می‌کند. این بنیاد ابدی به ایمان‌داران اطمینان می‌بخشد که آنان در طرح نجات‌دهنده‌ی خدای تثلیث اقدس به امنیتی جاودانه دست یافته‌اند، طرحی که هیچ قدرت خارجی یا ضعف انسانی قادر به تضعیف آن نیست. همان‌طور که اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر در فصل ۱۷، بخش ۱، بیان می‌کند، «کسانی که خدا در محبوب خود پذیرفته، به نحوی مؤثر فراخوانده، و به وسیله‌ی روح خود تقدیس کرده است، نه می‌توانند به طور کامل و نه به طور نهایی از وضعیت فیض سقوط کنند، بلکه مطمئناً تا به آخر در آن استقامت خواهند کرد و به طور ابدی نجات خواهند یافت (اول یوحنا ۳: ۹؛ فیلیپیان ۱: ۶؛ اول پطرس ۱: ۵، ۹؛ دوم پطرس ۱: ۱۰)».

از این دیدگاه عهدی، ایمان‌داران دعوت می‌شوند تا در اطمینان کامل آرامش یابند که نجاتشان بر اعمال انسانی وابسته نیست، بلکه نتیجه‌ی کار حاکمانه‌ی فیض خداست که به‌طور ابدی تضمین شده و تغییرناپذیر است. این اتحاد با مسیح که از تعهدی ابدی در درون تثلیث اقدس سرچشمه می‌گیرد، گواهی بر محبت و هدف بی‌وقفه خداست. این بنیاد، ایمان‌داران را به زندگی با



اطمینان از نجات ابدی دعوت می‌کند، اطمینانی که در وفاداری خدا ریشه دارد، با دانستن این که هویتشان در مسیح هم توسط خدا آغاز شده و هم توسط او پایدار مانده است. با قدم برداشتن در ایمان و استواری در عهد ابدی فیض، ایمان‌داران تشویق می‌شوند تا زندگی‌ای را دنبال کنند که قدوسیّت و محبت خدا را بازتاب دهد و مطمئن باشند که نجاتشان در اراده‌ی ابدی و حاکم خدا ثابت است.

ابزار اتحاد: جسم پوشیدن و کفاره‌ی مسیح، و کار روح القدس

اتحاد با مسیح برای ایمان‌داران از طریق جسم پوشیدن و کفاره‌ی مسیح، و کار تولد تازه بخشیدن روح القدس به یک واقعیت ملموس و تجربی تبدیل می‌شود. جسم پوشیدن به‌عنوان بنیان این اتحاد عمل می‌کند، زیرا عیسی طبیعت انسانی را به خود گرفت و فاصله‌ی بین انسانیت و الوهیت را پل زد تا اتحاد با خدا را ممکن سازد. یوحنا ۱: ۱۴ می‌گوید: «کلمه جسم گردید و در میان ما ساکن شد»، که ورود مسیح به شرایط انسانی را نشان می‌دهد و او را قادر می‌سازد که به‌شبهت ما درآید اما بدون گناه و راهی برای اتحاد واقعی با خدا فراهم آورد. در فیلیپیان ۲: ۶-۸، پولس توصیف می‌کند که چگونه مسیح «خود را خالی کرد» و به صورت انسان درآمد و در عین حال کاملاً الهی باقی ماند و نقش خود را به‌عنوان «واسطه‌ی بین خدا و انسان‌ها» (اول تیموتائوس ۲: ۵) ایفا کرد و به‌طور منحصر به فردی شایسته بود که برگزیدگان را در حضور خدا نمایندگی کند و ایمان‌داران را به یک رابطه‌ی تحول‌آفرین با او دعوت نماید. این عمل بنیادی جسم پوشیدن، توسط آتاناسیوس، یکی از پدران کلیسا، به‌عنوان پلی تعبیر شد: «او آنچه ما هستیم شد تا ما را آنچه او است بگرداند» (درباره‌ی جسم پوشیدن، ۵۴.۳)، و تأکید می‌کند که از طریق جسم پوشیدن، عیسی راهی شخصی و نجات‌بخش برای تجربه‌ی اتحاد با خدا به ایمان‌داران عرضه کرد.

کانون این اتحاد، کار کفاره‌ای مسیح بر صلیب است که در آن جریمه‌ی گناه برگزیدگان را متحمل شد و ایمان‌داران را با خدا آشتی و مصالحه داد، به‌گونه‌ای که عدالت او در دسترس تمام کسانی قرار گرفت که به او ایمان آورده و با او متحد شدند. پولس این اتحاد را در رومیان ۶: ۵ به شکلی توانمند بیان می‌کند: «زیرا اگر بر مثال موت او متحد گشتیم، هرآینه در قیامت وی نیز چنین خواهیم شد.» این عمل فداکارانه‌ی کفاره تنها درباره‌ی تأمین بخشش گناهان نیست؛ بلکه سفر نجات را برای ایمان‌داران آغاز می‌کند—با عادل شمردگی و فرزندخواندگی آغاز می‌شود، با تقدیس ادامه می‌یابد و در جلال به اوج می‌رسد. اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر این اتحاد کفاره‌ای را این‌گونه بیان می‌کند: «مسیح، با اطاعت و مرگ خود، به طور کامل بدهی همه‌ی کسانی را که به این ترتیب عادل شمرده می‌شوند پرداخت کرد» (فصل ۱۱، بخش ۳) و تأیید می‌کند که از طریق اتحاد با مرگ و قیام مسیح، ایمان‌داران در عدالت او سهیم می‌شوند و از بیگانگی به رابطه‌ای ابدی با خدا وارد می‌شوند (اشعیا ۵۳: ۴-۶؛ دوم قرنتیان ۵: ۲۱؛ اول پطرس ۲: ۲۴).

اما در این مسیر، روح القدس نقشی اساسی در مؤثر ساختن کار نجات‌بخش مسیح درون ایمان‌داران ایفا می‌کند و آنان را به شیوه‌ای زنده و پویا با مسیح متحد می‌سازد. از طریق تولد تازه، روح القدس، حیات جدیدی به ایمان‌داران می‌بخشد و آنان را به رابطه‌ای شخصی با عیسی وارد می‌کند (یوحنا ۳: ۵-۸؛ تیطوس ۳: ۵-۶). این تولد تازه قلب را متحول کرده و مرگ روحانی را



با حیات جدید در مسیح جایگزین می‌کند و پیوندی عمیق و پایدار بین او و ایمان‌داران ایجاد می‌کند. این حضور درونی روح القدس، ایمان‌داران را قادر می‌سازد که واقعیت اتحاد خود با مسیح را زندگی کنند و آنان را برای «گام نهادن در تازگی حیات» و غلبه بر گناه با تکیه بر قدرت روح توانمند می‌سازد (رومیان ۸: ۹-۱۱). پرسش و پاسخ‌های هایدلبرگ بر این قدرت تحول‌آفرین تأکید می‌کند و بیان می‌دارد که روح «ما را به شباهت مسیح تبدیل می‌کند، تا در همهی زندگی مان نشان دهیم که به خدا شکرگزار هستیم» (پرسش و پاسخ‌های هایدلبرگ، پرسش و پاسخ ۸۶)، و تأیید می‌کند که کار روح درون ایمان‌داران پایدار است و این اتحاد را پشتیبانی و تعمیق می‌بخشد.

علاوه بر این، حضور مستمر روح القدس در ایمان‌داران تضمین می‌کند که این اتحادی ساکن نیست، بلکه به‌طور فعال زندگی ایمان‌داران را شکل می‌دهد و به‌عنوان «مددکار» در کنار ایمان‌داران می‌ماند، همان‌طور که عیسی در یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۷ توصیف می‌کند. روح نه تنها ایمان‌داران را با مسیح متحد می‌سازد، بلکه آنان را به‌طور مستمر تغییر می‌دهد تا بازتاب دهنده‌ی شخصیت و جلال او باشند. حال به‌واسطه‌ی اینکه روح، ایمان‌داران را به شباهت مسیح تبدیل می‌کند، درک آنان از محبت و فیض خدا را نیز تعمیق می‌بخشد و آنان را به سوی حقیقت هدایت می‌کند، با ارائه‌ی قناعت و هدایت آنان در رشد به‌سوی قدوسیّت. آگوستین نقش روح در تقدیس را چنین توصیف می‌کند: «کسی که از روح پر شده است از محبت، شادی، آرامش، صبر، محبت، نیکویی، امانت، ملایمت و خویشتن‌داری پر شده است» (درباره‌ی تثلیث اقدس، بخش ۱۸) و تأکید می‌کند که کار پایدار روح، ایمان‌داران را به بازتابی زنده از طبیعت مسیح تبدیل می‌کند.

از طریق این اتحاد، ایمان‌داران اطمینان عمیقی می‌یابند که رابطه‌شان با مسیح هم ایمن است و هم شکست‌ناپذیر. چنان‌که پولس می‌نویسد، «همان روح بر روح‌های ما شهادت می‌دهد که فرزندان خدا هستیم» (رومیان ۸: ۱۶-۱۷) و به‌طور پیوسته جایگاه آنان به‌عنوان فرزندان محبوب خدا را تأیید می‌کند. این اتحاد تنها یک واقعیت کنونی نیست، بلکه وعده‌ی جلال آینده نیز می‌باشد، زیرا روح به‌عنوان «ضمانت میراث ما» توصیف شده است (افسیسیان ۱: ۱۳-۱۴) و به ایمان‌داران اطمینان می‌بخشد که کمال نجات در انتظار آنان است. حضور مستمر روح برای آنان قدرت، تسلی و اطمینان به ارمغان می‌آورد و آنان را در پیوندی ابدی با مسیح مهر می‌زند که در نهایت در جلال کامل با خدا سکونت خواهند داشت.

اتحاد با مسیح در عادل‌شمردگی، فرزندخواندگی، و تقدیس

اتحاد با مسیح به‌عنوان شالوده‌ی نجات ایمان‌داران عمل می‌کند و شامل عادل‌شمردگی، فرزندخواندگی، تقدیس، پایداری و در نهایت جلال می‌شود. این اتحاد عمیق به این معنی است که ایمان‌داران تنها دریافت‌کنندگان برکات خارجی نیستند، بلکه به‌طور صمیمانه‌ای با مسیح متحدند که از طریق او تمامی برکات روحانی جاری می‌شود (افسیسیان ۱: ۳). در عادل‌شمردگی، ایمان‌داران در حضور خدا عادل شناخته می‌شوند، نه بر اساس شایستگی خودشان، بلکه صرفاً بر اساس عدالت مسیح که حال عدالت آنان است. کلونین به مرکزیت منحصر به فرد این اتحاد تأکید دارد و می‌نویسد: «عدالت ما در ما نیست بلکه در مسیح است، و ما آن را فقط به این دلیل داریم که در مسیح شریک هستیم؛ در واقع، با او همهی ثروت‌های آن را داریم.» عادل‌شمردگی،



بنابراین، نه تنها یک اعلام قانونی بلکه یک اعلام رابطه‌ای است، چرا که ایمان‌داران با مسیح متحدند، در عدالت او پوشانده شده‌اند و توسط خدا پذیرفته شده‌اند. این مرکزیت اتحاد با مسیح با ادعای اعتقادنامه‌ی کوتاه وست‌مینستر هماهنگ است که می‌گوید: «عادل‌شمردگی عملی است از فیض آزاد و رایگان خدا، که در آن او تمامی گناهان ما را می‌بخشد و ما را در نظر خود عادل می‌پذیرد، فقط به خاطر عدالت مسیح که به ما نسبت داده شده و تنها با ایمان دریافت می‌شود.» این رابطه به این معنی است که هویت ایمان‌داران از عدالت مسیح جدایی‌ناپذیر است و اطمینان عمیقی از موقعیت آنان در حضور خدا ایجاد می‌کند.

علاوه بر این، از طریق اتحاد با مسیح، ایمان‌داران فرزندخواندگی را تجربه می‌کنند و جایگاه پسران و دختران خدا و هم‌وارثان با مسیح را به دست می‌آورند (رومیان ۸: ۱۵-۱۷؛ غلاطیان ۴: ۴-۷). فرزندخواندگی از تغییر قانونی فراتر رفته و به یک واقعیت رابطه‌ای تبدیل می‌شود و به ایمان‌داران مشارکت صمیمی با پدر را عرضه می‌کند. کلون این رابطه را رابطه‌ای با «تسلی فوق‌العاده» توصیف می‌کند که در آن ایمان‌داران «به نام مسیح به‌عنوان فرزندان پذیرفته می‌شوند»، و نه تنها جایگاه جدیدی می‌یابند بلکه به رابطه‌ای عمیق و محبت‌آمیز با خدا دست می‌یابند. پرسش و پاسخ‌های هایدلبرگ این صمیمیت را به زیبایی بیان می‌کند و اعلام می‌کند که ایمان‌داران «با جسم و روح، در زندگی و مرگ، به نجات‌دهنده‌ی وفادار خود عیسی مسیح تعلق دارند.» این اطمینان از تعلق، ایمان‌داران را به خانواده‌ی خدا وارد می‌کند و به آنان اطمینان می‌دهد که می‌توانند به خدا به‌عنوان «ابا، پدر» (رومیان ۸: ۱۵) نزدیک شوند؛ اصطلاحی که هم صمیمیت و هم احترام را منعکس می‌کند. در اتحاد با مسیح، ایمان‌داران با او هم‌وارث شده‌اند و در وعده‌ی میراث ابدی ایمن هستند که آنان را قادر می‌سازد تا محبت خدا را ثابت و تغییرناپذیر ببینند.

اتحاد با مسیح همچنین به‌عنوان سرچشمه‌ی تقدیس عمل می‌کند؛ تغییری مستمر که در آن ایمان‌داران به‌طور فزاینده‌ای به شباهت مسیح در می‌آیند. از طریق این اتحاد، ایمان‌داران نه تنها بخشوده شده‌اند بلکه خلقتی جدید شده‌اند (دوم‌قرن‌تیان ۵: ۱۷)، و با حضور روح‌القدس در درونشان قادر به رشد در قدوسیّت هستند. سخنان پولس در اینجا طنین‌انداز است: «لیکن همه‌ی ما چون با چهره بی‌نقاب جلال خداوند را در آینه می‌نگریم، از جلال تا جلال به همان صورت متبدل می‌شویم، چنان‌که از خداوند که روح است» (دوم‌قرن‌تیان ۳: ۱۸). به گفته‌ی جی.آی. پکر، «دعوت مسیحی این است که در عمل آنچه را که در مسیح با فرزندخواندگی و تولد دوباره هستند، بشوند؛ خلقتی که تقدیس شده است، همان‌گونه که خدا قدوس است.» پرسش و پاسخ‌های جامع وست‌مینستر تأکید می‌کند که در تقدیس، سلطه‌ی تمامی بدن گناه نابود می‌شود و شهوات آن به‌طور فزاینده‌ای تضعیف می‌گردد. این تغییر به عمق وجود ایمان‌داران می‌رسد و قلب، انگیزه‌ها و خواسته‌ها را تغییر می‌دهد و تقدیس را به فرآیندی از تجدید عمیق روحانی تبدیل می‌کند که از طریق حیات مسیح در درون ایمان‌داران محقق می‌شود.

اتحاد با مسیح در پایداری و جلال

اتحاد با مسیح به‌عنوان بنیان عمیق پایداری ایمان‌داران عمل می‌کند و اطمینان می‌بخشد که فیض پایدار خدا او را از تمامی چالش‌ها، وسوسه‌ها و آزمایش‌ها عبور خواهد داد. خود مسیح این امنیت ابدی را وعده می‌دهد و در یوحنا ۱۰: ۲۸-۲۹ اعلام



می‌کند: «و من به آن‌ها حیات جاودانی می‌دهم و تا به ابد هلاک نخواهند شد، و هیچ‌کس آن‌ها را از دست من نخواهد گرفت. پدری که به من داد از همه بزرگ‌تر است، و کسی نمی‌تواند از دست پدر من بگیرد.» این کلمات قدرت شکست‌ناپذیر مسیح بر کسانی که با او متحد هستند را نشان می‌دهد و به تصویر می‌کشد که پایداری به قدرت انسانی وابسته نیست، بلکه به امانت بی‌وقفه خدا وابسته است. این اعتماد به قدرت مسیح در نگاه آگوستین طنین‌انداز است که می‌نویسد: «آنچه مسیح با رنج خود به دست آورده، کامل است... چیزی که باقی مانده این است که آن شایستگی‌ها به ما به‌طور نسبت داده شود.»

اتحاد با مسیح پایداری ایمان‌داران را تضمین می‌کند و اطمینان عمیقی به آنان می‌دهد که هیچ چیز نمی‌تواند آنان را از محبت خدا جدا کند. پولس این امنیت را در رومیان ۸: ۳۸-۳۹ بر جسته می‌کند و می‌گوید که «زیرا یقین می‌دانم که نه موت و نه حیات و نه فرشتگان و نه رؤسا و نه قدرت‌ها و نه چیزهای حال و نه چیزهای آینده و نه بلندی و نه پستی و نه هیچ مخلوق دیگر قدرت خواهد داشت، که ما را از محبت خدا که در خداوند ما مسیح عیسی است، جدا سازد.» الهی‌دان معروف، گرهاردوس واس، این حقیقت را تکرار می‌کند و می‌گوید: «پایداری مسئله‌ی اراده و قوت انسان نیست، بلکه نتیجه‌ی پیوند شکست‌ناپذیر اتحاد با مسیح است.» عیسی خود این اطمینان را در یوحنا ۱۰: ۲۸-۲۹ وعده می‌دهد و می‌گوید: «و من به آن‌ها حیات جاودانی می‌دهم و تا به ابد هلاک نخواهند شد، و هیچ‌کس آن‌ها را از دست من نخواهد گرفت. پدری که به من داد از همه بزرگ‌تر است، و کسی نمی‌تواند از دست پدر من بگیرد.» این اطمینان نه بر قدرت انسانی بلکه بر پیوند عهدی است که خدا در مسیح برقرار کرده است. اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر این امنیت را تأیید می‌کند و بیان می‌کند که کسانی که «خدا آنان را در محبوب خود پذیرفته... نمی‌توانند کاملاً و یا نهایتاً از حالت فیض خارج شوند، بلکه به‌طور حتم تا به انتها پایدار خواهند ماند.» این امنیت، امیدی استوار به ایمان‌داران می‌بخشد و آنان را در محبت عهدی و وفاداری مسیح استوار می‌سازد و آنان را آزاد می‌کند تا با اطمینان زندگی کنند، و اطمینان داشته باشند که نجات آنان در دستان او محفوظ است و آن‌را در هیچ شرایطی از دست نخواهند داد.

اطمینان ایمان‌داران به پایداری، از کار تمام‌شده‌ی مسیح و تعهد او به حفظ برگزیدگان خود تا به آخر جاری می‌شود. پولس این اطمینان را در فیلیپیان ۱: ۶ تأیید می‌کند و می‌گوید: «چون که به این اعتماد دارم که او که عمل نیکو را در شما شروع کرد، آن را تا روز عیسی مسیح به کمال خواهد رسانید.» این اعتماد که خدا کار خود را به انجام خواهد رساند، بر اتحاد شکست‌ناپذیر ایمان‌داران با مسیح تأکید می‌کند که با قدرت حاکمانه‌ی خدا پشتیبانی می‌شود. یهودا ۱: ۲۴ نیز این اطمینان را تأیید کرده و می‌گوید «الان او را که قادر است، که شما را از لغزش محفوظ دارد و در حضور جلال خود شما را بی‌عیب به فرحی عظیم قایم فرماید.» اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر، فصل ۱۷، بخش ۱، نیز این امنیت ابدی را تأیید می‌کند و اعلام می‌کند که خدا برای کسانی که به محبوب پسر خود خوانده، پذیرفته و با او متحد کرده است، «کسانی که خدا در محبوب خود پذیرفته، به نحوی مؤثر فراخوانده، و به وسیله‌ی روح خود تقدیس کرده است، نه می‌توانند به‌طور کامل و نه به‌طور نهایی از وضعیت فیض سقوط کنند، بلکه مطمئناً تا به آخر در آن استقامت خواهند کرد و به‌طور ابدی نجات خواهند یافت (اول یوحنا ۳: ۹؛ فیلیپیان ۱: ۶؛ اول پطرس ۱: ۵، ۹؛ دوم پطرس ۱: ۱۰).» از طریق این اتحاد، ایمان‌داران اطمینان پایداری می‌یابند که هیچ چیز—نه آزمایش، نه



گناه، نه درد، و نه رنج— نمی‌تواند آنان را از محبت خدا جدا کند. این پیوند در مسیح نه تنها برای این زندگی بلکه برای ابدیت است و به ایمان‌داران آرامش و اعتماد حتی در میان بزرگ‌ترین دشواری‌های زندگی می‌بخشد.

اتحاد با مسیح امیدی نهایی از جلال به ایمان‌داران می‌بخشد؛ اوج نجات که در آن به‌طور کامل به شباهت او درمی‌آیند و در هم‌نشینی ابدی با او خواهند بود. این جلال نمایانگر کمال اتحاد با مسیح و تحقق نهایی اهداف نجات‌بخش خداست. هنگامی که مسیح بازگردد، ایمان‌داران به‌طور کامل متحول و از فساد گناه و مرگ آزاد خواهند شد. این وعده‌ی جلال، در ساختار الهیات اصلاحات جای گرفته و نشان می‌دهد که سرنوشت ایمان‌داران این است که به‌طور کامل در مسیح دگرگون شود. مارتین لوتر این امید را به زیبایی توصیف می‌کند: «خداوند ما وعده‌ی قیامت را نه تنها در کتاب‌ها، بلکه در هر برگ بهاری نوشته است.» یوحنا در اول یوحنا ۳: ۲ می‌گوید: «لکن می‌دانیم که چون او ظاهر شود، مانند او خواهیم بود؛ زیرا او را، چنان‌که هست خواهیم دید»، و پولس در کولسیان ۳: ۴ تأیید می‌کند که: «چون مسیح که زندگی ما است، ظاهر شود، آنگاه شما هم با وی در جلال ظاهر خواهید شد.»

این لحظه، پایان سفر زمینی و ورود به کمال اتحاد با مسیح است. کلوین این امید را چنین خلاصه می‌کند: «قیام مسیح قوی‌ترین انگیزه برای بیدار کردن و تأیید امید قیامت آینده در درون ما است.» اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر نیز این تبدیل نهایی را توصیف می‌کند و می‌گوید: «زیرا در آن روز، عادلان به حیات ابدی خواهند رفت و آن شادی کامل و آرامش را که از حضور خداوند سرچشمه می‌گیرد، به دست خواهند آورد.» همچنین مکاشفه ۲۱: ۳-۴ خلقت جدید را توصیف می‌کند: «با ایشان ساکن خواهد بود، و ایشان قوم‌های او خواهند بود، و خود خدا با ایشان خدای ایشان خواهد بود.» این چشم‌انداز آینده، ایمان‌داران را با امید و اطمینان از سرنوشت ابدی‌شان مملو می‌سازد، جایی که به‌طور کامل تقدیس شده و برای همیشه با خدا زندگی خواهند کرد.

پولس در رومیان ۸: ۱۸ اشاره می‌کند که «رنج‌های زمان حاضر در برابر جلالی که بر ما آشکار خواهد شد هیچ است.» این انتظار آینده دیدگاه ایمان‌داران را دگرگون کرده و آنان را قادر می‌سازد تا با قلبی استوار به سختی‌ها بپردازند، بدانند که مشقات فعلی آنان روزی جای خود را به اتحاد کامل با مسیح خواهد داد. در اول پطرس ۱: ۴، میراث آنان «فاسدنشدنی، بی‌آلایش و ناپژمردنی» معرفی شده و ایمان‌داران را در اتحاد با مسیح به مقصدی ابدی رهنمون می‌کند. همچنین واس توضیح می‌دهد که از طریق اتحاد با مسیح، ایمان‌داران در او سهیم شده و در هر آنچه او دارد و هست شریک می‌شوند.

در لحظه‌ی جلال، ایمان‌داران کامل‌ترین حضور خدا را تجربه کرده، از گناه، رنج و غم زمینی رهایی خواهند یافت. یوحنا در اول یوحنا ۳: ۲ می‌گوید: «اکنون فرزندان خدا هستیم، و هنوز آشکار نشده است که چه خواهیم بود؛ اما می‌دانیم که وقتی او ظاهر شود، مثل او خواهیم بود، زیرا او را چنان‌که هست خواهیم دید.» این دیدار «چنان‌که هست» ایمان‌داران را به شباهتی کامل با تصویر مسیح می‌رساند. آگوستین، با تأمل بر این امید، بیان می‌کند: «تو ما را برای خود آفریدی، و دل ما تا زمانی که در تو آرام نگیرد، بی‌قرار خواهد بود.»



این چشم‌انداز در مکاشفه ۲۱: ۴ بیشتر توصیف شده است: «و او هر اشکی را از چشمانشان پاک خواهد کرد و دیگر مرگ نخواهد بود، نه ماتم، نه ناله و نه درد، زیرا چیزهای پیشین در گذشته‌اند.» این حقیقت به ایمان‌داران آرامش و هم‌نشینی بی‌پایان با خدا در پادشاهی او را تضمین می‌کند. در مختصر اعتراف وست‌مینستر نیز بیان شده است که «روح‌های ایمان‌داران در مرگشان کامل در قدوسیّت ساخته شده و بلافاصله به جلال وارد می‌شوند.»

این هم‌نشینی ابدی، که با نشستن بر تخت مسیح همراه است، بزرگی میراث ایمان‌داران را نمایان کرده و آنان را شریک در فرمانروایی ابدی مسیح می‌سازد. این وعده، انگیزه‌ای نیرومند به ایمان‌داران می‌دهد تا در ایمان پایدار باشند، بدانند که مقدر شده‌اند تا در جلال مسیح شریک شوند. جی.آی. پکر این موضوع را این‌گونه خلاصه می‌کند: «میراث مسیحی چیزی کمتر از سهیم شدن در جلال خود مسیح نیست.»

علاوه بر این، چشم‌انداز آینده تأثیر بسزایی در زندگی کنونی ایمان‌داران دارد و هر لحظه را با هدف و امید پر می‌سازد. پولس در دوم قرنتیان ۴: ۱۷-۱۸ می‌گوید: «زیرا که این زحمتِ سَبْکِ ما که برای لحظه‌ای است، بار جاودانی جلال را برای ما زیاده و زیاده پیدا می‌کند. در حالی که ما نظر نمی‌کنیم به چیزهای دیدنی، بلکه به چیزهای نادیدنی، زیرا که آنچه دیدنی است، زمانی است، و نادیدنی جاودانی.» این اطمینان به ایمان‌داران اجازه می‌دهد که با دیدگاهی ابدی زندگی کنند و منتظر روزی باشند که «زیرا که می‌باید این فاسد بی‌فسادی را بپوشد و این فانی به بقا آراسته گردد» (اول قرنتیان ۱۵: ۵۳) دست یابد. این پیروزی بر مرگ، آنان را به هم‌نشینی شاد و بی‌پایان با خدا و آرامشی جاودان هدایت می‌کند.

در نهایت، امید به جلال که در اتحاد با مسیح تضمین شده، برای ایمان‌داران تکیه‌گاهی ابدی در هر لحظه از زندگی فراهم می‌آورد. این اتحاد، حیات و شادی جاودان و حضور ابدی با نجات‌دهنده را وعده می‌دهد. این دیدار چهره‌به‌چهره و وحدت کامل با او، سفر کنونی ایمان‌داران را با امید و پایداری به جلو می‌راند، زیرا می‌دانند آنچه در انتظار آنان است، کمال حضور جلال‌آمیز خدا برای همیشه است.

الهیات عهد و اتحاد با مسیح

در الهیات اصلاحات، آموزه‌ی اتحاد با مسیح به‌طور عمیقی در ساختار الهیات عهد جای گرفته است، به‌ویژه از طریق چارچوب عهد نجات. این عهد، که پیش‌ازآفرینش جهان شکل گرفت، نمایان‌گر یک توافق ابدی در درون الوهیت است. در این عهد مقدس، پدر قومی را برای نجات تعیین کرد، پسر با میل به انجام رسالت نجات آنان پرداخت و روح القدس تعهد کرد که این نجات را در دل و زندگی برگزیدگان به اجرا درآورد. عیسی در دعای کاهنانه‌ی خود به این عهد اشاره می‌کند و با خطاب به پدر می‌گوید: «اسم تو را به آن مردمانی که از جهان به من عطا کردی ظاهر ساختم. از آن تو بودند و ایشان را به من دادی و کلام تو را نگاه داشتند» (یوحنا ۱۷: ۶) و می‌طلبد که این افراد که پدر به او بخشیده، در جایی که او است باشند «تا جلال مرا که به من داده‌ای ببینند، زیرا که مرا پیش از بنای جهان محبت نمودی» (یوحنا ۱۷: ۲۴). و تیطوس ۱: ۲ نیز بر ماهیت ابدی این عهد تأکید می‌کند و به «امید حیات جاودانی که خدا، که دروغ نمی‌گوید، از ازل وعده داد» اشاره می‌کند. این توافق بنیادین در تثلیث اقدس نه تنها



وحدت و هدف را در الوهیت نمایان می‌سازد بلکه آشکار می‌سازد که اتحاد ایمان‌داران با مسیح بخشی از طرح حاکم و ابدی خداست.

عهد نجات تضمینی است که هدف خدا برای جمع‌آوری قومی برای خود تحقق خواهد یافت. این عهد ابدی رابطه‌ی ایمان‌داران با مسیح را در یک وعده که پیش از تاریخ استوار شده، محکم می‌سازد و تأکید دارد که اتحاد با مسیح نه تصادفی است و نه وابسته به اراده‌ی انسان، بلکه ریشه در ذات تغییرناپذیر خدا و تصمیم آگاهانه‌ی او برای نجات دارد. همان‌طور که هرمان باوینک بیان می‌کند: «این رابطه‌ی عهدی بر اراده‌ی انسان استوار نیست، بلکه بر مشورت ابدی خدا استوار است.» بنابراین، اتحاد ایمان‌داران با مسیح تجلی فیض الهی است که در محبت عهدی پدر، اطاعت فداکارانه‌ی پسر و کار حیات‌بخش روح مقدس ریشه دارد. این چارچوب عهدی به ایمان‌داران اطمینان می‌بخشد که نجات آنان در فیض خدای وفادار استوار است، نه در قدرت یا تلاش‌های خودشان، و این واقعیتی است که در زندگی ایمان‌داران، آرامشی عمیق به ارمغان می‌آورد.

اتحاد با مسیح همچنین ایمان‌داران را در تداوم وعده‌های عهدی خدا قرار می‌دهد و به‌طور خاص آنان را به عهدی که با ابراهیم بسته شده است متصل می‌کند. در غلاطیان ۳: ۲۹، پولس بر این تداوم تأکید می‌کند: «اما اگر شما از آن مسیح می‌باشید، هرآینه نسل ابراهیم و برحسب وعده وارث هستید.» از طریق اتحاد با مسیح، ایمان‌داران وارثان برکاتی می‌شوند که به ابراهیم و نسل او وعده داده شده است و در میراث روحانی که از وفاداری خدا در عهد سرچشمه می‌گیرد، سهم می‌شوند. این میراث شامل برکات حضور، حفاظت و تأمین خدا می‌شود، که نه تنها به ابراهیم بلکه به تمام نسل‌های روحانی او در مسیح وعده داده شده است. بنابراین، ایمان‌داران در مسیح به تاریخ کار نجات‌بخش خدا پیوند می‌خورند و در تحقق وعده‌هایی که از نسل‌ها گذر کرده است، سهم می‌شوند.

عهد جدید، که از طریق خون مسیح برقرار شد، این اتحاد را بیشتر تثبیت می‌کند. به‌عنوان واسطه‌ی این عهد، عیسی رابطه‌ای جدید بین خدا و قومش برقرار می‌سازد؛ رابطه‌ای که با بخشش گناهان، قلبی نو و رابطه‌ای درونی با روح خدا نشانه‌گذاری شده است. عبرانیان ۹: ۱۵ اعلام می‌کند: «و از این جهت او متوسط عهد تازه‌ای است، تا چون موت برای کفارهی تقصیرات عهد اول به‌وقوع آمد، خواننده‌شدگان وعده‌ی میراث ابدی را بیابند.» از طریق اتحاد با مسیح، ایمان‌داران سهم این عهد جدید می‌شوند و رابطه‌ای با خدا تجربه می‌کنند که شکست‌ناپذیر و به‌طور ابدی با مرگ فداکارانه‌ی مسیح تضمین شده است. ریختن خون مسیح نه تنها کفارهی گناهان است، بلکه عهد را مهر و موم می‌کند و تضمین می‌کند که برکات عهد جدید به‌طور غیرقابل بازگشتی برای کسانی که با او متحد هستند، اعمال می‌شود.

این چارچوب عهدی اتحاد با مسیح امنیتی شکست‌ناپذیر به زندگی ایمان‌داران می‌بخشد. وعده‌های خدا که در عهدها متعهد شده‌اند، «لنگر روح» برای ایمان‌داران می‌شود و اطمینانی پایدار در هر شرایط فراهم می‌آورد. عبرانیان ۶: ۱۹-۲۰ این را به‌طور قدرتمند بیان می‌کند: «و آن را مثل لنگری برای جان خود ثابت و پایدار داریم که در درون حجاب داخل شده است، جایی که آن پیشرو برای ما داخل شد، یعنی عیسی که بر رتبه‌ی ملکی صدق، رئیس گه‌نه گردید تا ابدالآباد.» نقش عیسی به‌عنوان پیشرو



نشان می‌دهد که او به نیابت از قوم خود وارد قدس آسمانی شده و جایگاه آنان در حضور خدا را تضمین کرده است. این لنگر امید نه تنها وعده‌ای برای آینده، بلکه واقعیتی حاضر است، زیرا ایمان‌داران با مسیح متحد هستند و در برکات کار کامل او سهیم می‌شوند.

عهد فیض که در تمام تاریخ نجات گسترش می‌یابد، همچنین اتحاد با مسیح را در چارچوب طرح فراگیر خدا برای نجات برگزیدگان برای خود قرار می‌دهد. از پیدایش تا مکاشفه، وفاداری خدا در عهد را نمایان می‌سازد؛ همان‌طور که وعده داده است که خدای قوم خود باشد و در میان آنان ساکن شود. این وعده تنها از طریق اتحاد با مسیح محقق می‌شود، زیرا ایمان‌داران به خانواده‌ی خدا وارد شده و به عضوی از جامعه‌ی عهدی او تبدیل می‌شوند. ارمیا ۳۱: ۳۳، در پیشگویی از عهد جدید، اعلام می‌کند: «من خدای ایشان خواهم بود و آنان قوم من خواهند بود.» این وعده‌ی عهدی در مسیح به تحقق می‌رسد و در او، ایمان‌داران به خدا متصل می‌شوند و از محبت و تعهد پایدار او اطمینان می‌یابند.

در اتحاد با مسیح، ایمان‌داران همچنین به برکات عهدی که از تعهد خدا برای نجات و تقدیس جاری می‌شود، وارد می‌شوند. افسسیان ۱: ۱۳-۱۴ به این میراث اشاره می‌کند و آشکار می‌سازد که ایمان‌داران «و در وی، شما نیز چون کلام راستی، یعنی بشارت نجات خود را شنیدید، در وی چون ایمان آوردید، از روح قدوس وعده مختوم شدید. که بیعانه‌ی میراث ما است، برای فدای آن ملوک خاص او تا جلال او ستوده شود.» روح القدس که به‌عنوان وثیقه به ایمان‌داران عطا شده است، نشان می‌دهد که آنان به‌طور غیرقابل بازگشتی بخشی از خانواده‌ی خدا هستند و برای دریافت کامل برکات عهدی مقدر شده‌اند. این مهر روح، نتیجه‌ی مستقیم اتحاد با مسیح است و بر امنیت و تداوم رابطه‌ی ایمان‌داران با خدا تأکید دارد.

علاوه بر این، الهیات عهد، جنبه‌ی جماعتی اتحاد با مسیح را آشکار می‌سازد، جایی که ایمان‌داران نه تنها به‌طور فردی با مسیح متحد می‌شوند، بلکه به‌عنوان اعضای بدن او، یعنی کلیسا به یکدیگر نیز پیوند می‌خورند. این اتحاد جماعتی طبیعت عهدی کلیسا را بازتاب می‌دهد؛ قومی که با وعده‌های خدا پیوند یافته‌اند و فراخوانده شده‌اند که در مشارکت و حمایت متقابل زندگی کنند. افسسیان ۴: ۴-۶ بر این وحدت تأکید می‌کند و می‌گوید: «یک جسد هست و یک روح، چنان‌که نیز دعوت شده‌اید در یک امید دعوت خویش. یک خداوند، یک ایمان، یک تعمید؛ یک خدا و پدر همه که فوق همه و در میان همه و در همه‌ی شما است.» به‌عنوان مشارکت‌کنندگان در عهد خدا، ایمان‌داران فراخوانده شده‌اند که محبت، وحدت و قدوسی را که جامعه‌ی عهدی خدا را مشخص می‌کند، به نمایش بگذارند و به‌عنوان شاهدان وفاداری او زندگی کنند.

در نهایت، الهیات عهد و اتحاد با مسیح یک درک یکپارچه و عمیق از نجات ایجاد می‌کنند که در آن وعده‌های خدا، که در مسیح تحقق یافته است، به‌طور ابدی به قوم او منتسب می‌شود. این پیوند عهدی تنها یک مفهوم الهیاتی نیست، بلکه یک واقعیت رابطه‌ای است که هویت، هدف و امید ایمان‌داران را شکل می‌دهد. وعده‌های عهد نجات، میراث برکت ابراهیم و اطمینان عهد جدید همگی در مسیح به یکدیگر پیوند می‌خورند و رابطه‌ای صمیمی و ابدی با خدا به ایمان‌داران عرضه می‌کنند. این اتحاد



عهدی، ایمان داران را در وفاداری خدا استوار می‌سازد و آنان را دعوت می‌کند که در اطمینان آرامش یابند که در مسیح، به طور ابدی در امنیت هستند، در محبتی بی‌پایان مورد عنایت قرار گرفته‌اند و به طور هدفمند نجات یافته‌اند.

این ارتباط ابدی نه تنها به ایمان داران امید و امنیت می‌بخشد، بلکه آنان را به زندگی در وفاداری و تعهد به این عهد الهی فرا می‌خواند. در این اتحاد، ایمان داران نه تنها از برکات عهد برخوردار می‌شوند، بلکه در مسئولیت‌های آن نیز شریک هستند، تا به زندگی‌ای که نمایانگر قدوسیّت، محبت و وفاداری خداست دعوت شوند. از این رو، اتحاد با مسیح نه تنها سرآغاز نجات، بلکه راهی برای رشد در ایمان و تحقق اراده‌ی خداوند و اعلان انجیل در این جهان است.

با زندگی در این عهد ابدی، ایمان داران به جامعه‌ای تعلق دارند که بر اساس وعده‌های خدا پایه‌گذاری شده و دعوت به خدمت به خدا و هم‌نوعان است. این پیوند عهدی در جماعت کلیسایی، به عنوان بدنی واحد و اعضای متحد در مسیح، قوت می‌گیرد و آنان را قادر می‌سازد تا در محبت و عدالت الهی قدم بردارند و به عنوان شاهدان وفاداری خدا به جهانیان معرفی شوند. در نتیجه، الهیات عهد و اتحاد با مسیح، پایه و بنیانی عمیق برای ایمان، امید و محبت در زندگی مسیحی ایجاد می‌کند و به آنان اطمینان می‌دهد که در برنامه‌ی نجات خداوند جایگاهی ویژه دارند و در انتهای مسیر، در جلال ابدی با خدا مشارکت خواهند داشت.

زندگی در اتحاد با مسیح

اتحاد با مسیح تنها یک آموزه‌ی الهیاتی برای فهم ذهنی نیست؛ بلکه واقعیتی تحول‌آفرین است که زندگی روزمره‌ی ایمان داران را شکل می‌دهد. عیسی در یوحنا ۱۵: ۵ تعلیم می‌دهد: «من تاک هستم و شما شاخه‌ها. آنکه در من می‌ماند و من در او، میوه‌ی بسیار می‌آورد، زیرا که جدا از من هیچ نمی‌توانید کرد.» این پیوند ماندگار محوری‌ترین ویژگی زندگی مسیحی است و به ایمان داران قوت می‌بخشد تا در قدوسیّت، مقاومت در برابر گناه و تجسم محبت مسیح در روابط خود زندگی کنند. پولس این موضوع را در رومیان ۶: ۶-۱۴ تأیید کرده و بیان می‌کند که به دلیل حضور در مسیح، ایمان داران دیگر در بندگی گناه نیستند و به زیستن در آزادی و عدالت خدا فراخوانده شده‌اند. آنان از طریق روح القدس، ثمرات این اتحاد را تجربه می‌کنند و ویژگی‌هایی همچون محبت، آرامش، صبر و مهربانی را به نمایش می‌گذارند (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳).

این اتحاد به ایمان داران قدرت و امید می‌بخشد تا در برابر سختی‌ها پایدار بمانند. پولس در رومیان ۸: ۳۸-۳۹ تأکید می‌کند که هیچ چیز نمی‌تواند ایمان داران را از محبت خدا که در مسیح عیسی است، جدا کند. در هر لحظه ضعف، این اتحاد آنان را به تکیه بر قدرت مسیح، نه بر توان خود، فرامی‌خواند (دوم قرنتیان ۱۲: ۹). اتحاد با مسیح همچنین ایمان داران را به عنوان اعضای بدن او به یکدیگر پیوند می‌دهد، وحدتی که از فردیت فراتر می‌رود و آنان را در کلیسای مسیح متصل می‌سازد. پولس این جنبه‌ی جمعی را در اول قرنتیان ۱۲: ۱۲-۲۷ توصیف می‌کند و بیان می‌کند که کلیسا بدنی است که هر عضو آن نقش منحصر به فردی دارد، و با هم در شادی، رنج و درد مشترک سهیم‌اند.

این اتحاد از قلمرو زمینی فراتر می‌رود و ایمان داران را با مقدسینی که پیش از آنان زیسته‌اند و فرشتگانی که در برابر تخت خدا



ایستاده اند، پیوند می دهد (عبرانیان ۱۲: ۲۲-۲۴). اتحاد با مسیح به کامل ترین شکل خود در آسمان و زمین جدید تجربه خواهد شد؛ جایی که ایمان داران در هم نشینی کامل با خدا و در حضور ابدی او خواهند ایستاد (مکاشفه ۷: ۹-۱۰). در این اتحاد ابدی، آنان نه تنها امیدی برای آینده دارند، بلکه در حال نیز دعوتی عمیق به تجسم محبت، قدوسیّت و اتحاد مسیح دریافت می کنند. به واسطه ی این اتحاد، آنان به عنوان بازتاب هایی از محبت و نور مسیح زندگی می کنند و به عنوان «سفیران مسیح» (دوم قرتیان ۵: ۲۰) مأموریت او را به انجام می رسانند.

اتحاد با مسیح پایه و اساس هر بُعد از زندگی مسیحی است و عادل شمردگی، فرزندخواندگی، تقدیس، و جلال را شامل می شود. این اتحاد عمیق، امیدی به ایمان داران می دهد تا به زندگی ای پر از اطاعت و تحول در روح القدس بپردازند و هویت خود را به عنوان فرزندان محبوب خدا بپذیرند. پولس ایمان داران را به پوشیدن انسان جدید که به شباهت خدا آفریده شده است، ترغیب می کند (افسیسیان ۴: ۲۴). این اتحاد ایمان داران را به مأموریتی برای نمایش محبت، فروتنی و حقیقت مسیح به جهانیان فرامی خواند و با ایجاد وحدت در کلیسا آنان را برای ساختن پادشاهی خدا بر زمین مجهز می کند. پولس در اول قرتیان ۱۵: ۵۸ از آنان می خواهد که استوار و ثابت قدم در کار خداوند باشند، بدانند که زحمت آنان در خداوند بیهوده نیست.

امید به جلال نیز محور زندگی مسیحی است؛ جایی که ایمان داران در آینده در کامل ترین شکل خود با خدا و در بدن های جلال یافته حضور خواهند یافت (رومیان ۸: ۱۷). این امید به آنان استقامت می بخشد تا در آزمایش ها ثابت بمانند، بدانند که پیوند آنان با مسیح شکست ناپذیر است. این اتحاد نه تنها به عنوان عطیه ای الهی بلکه به عنوان دعوتی به زیستن با اعتماد و هدف، آنان را در رسالت و هویتشان استوار می سازد و به آنان اطمینان می دهد که در نهایت در حضور نجات دهنده ی خود به کمال خواهند رسید (فیلیپیان ۱: ۶).

اتحاد با مسیح—واقعیتی تحول آفرین

اتحاد با مسیح، قلب تپنده ی زندگی مسیحی است؛ حقیقتی بنیادی که همه ی اجزای نجات و تقدیس را به یکدیگر پیوند می دهد. این اتحاد فراتر از یک آموزه ی صرف است؛ جوهره ی هویت ایمان داران، لنگر امنیت او و سرچشمه ی امید ابدی اوست. اتحاد با مسیح، زندگی ایمان داران را در حال حاضر شکل می دهد و سرنوشت او را در ابدیت محکم می سازد و او را به وجودی جدید فرا می خواند که انعکاس دهنده ی فیض، حقیقت و قدوسیّت خود مسیح است (غلاطیان ۲: ۲۰). در الهیات اصلاحات، این حقیقت به ویژه در چهارچوب الهیات عهد، که اتحاد با مسیح را در مرکز وعده های نجات بخش و امانت ابدی خدا قرار می دهد، محوری است. پولس بر این واقعیت در دوم قرتیان ۱: ۲۰ تأکید می کند: «زیرا تمامی وعده های خدا در او بلی شده است»، و تأیید می کند که هر وعده ی الهی در مسیح به تحقق می پیوندد، کسی که ایمان داران را به مقصود ابدی خدا متصل می کند.

زیستن در این اتحاد، ایمان داران را به ماندگاری عمیق در مسیح و پذیرش کلام او برای تحول همه ی جنبه های زندگی شان فرا می خواند. پولس این تحول را در کولسیان ۳: ۱۶ تشویق می کند: «کلام مسیح به فراوانی در شما ساکن شود»، در حالی که



عیسی اهمیت ماندن را در یوحنا ۱۵: ۷ تأکید می‌کند و می‌گوید: «اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، هر چه خواهید درخواست کنید و برای شما خواهد شد.» این رابطه‌ی ماندگار، ایمان‌داران را قادر می‌سازد تا در فیض رشد کنند، هدف خدایی خود را درک کنند و به‌طور مستمر به شباهت مسیح تبدیل شوند (دوم قرن‌تین ۳: ۱۸). جان کلون این رابطه‌ی تحول‌آفرین را به‌خوبی توصیف می‌کند و می‌گوید: «همه‌ی آنچه مسیح برای ما انجام داده است تا زمانی که بیرون از مسیح باقی بمانیم، هیچ ارزشی برای ما ندارد.» این افتخار و مسئولیت هر ایمان‌داران است که این اتحاد را در زندگی روزمره‌ی خود منعکس کند و شخصیت مسیح را در فروتنی، محبت و اطاعت به نمایش بگذارد (افسیسیان ۵: ۱-۲).

ریشه در فیض حاکم و محبت ابدی خدا، اتحاد با مسیح هم افتخار بزرگ و هم مسئولیت عمیق ایمان‌داران را نمایان می‌سازد. این اتحاد آنان را به هم‌نشینی نزدیک با خدای تثلیث اقدسی دعوت می‌کند و فراتر از شناخت فکری، آنان را به زندگی‌ای دعوت می‌کند که با قدوسیّت و محبت او مجسم شده است. در رومیان ۸: ۱۰-۱۱، پولس تأکید می‌کند: «اگر مسیح در شما باشد، هر چند بدن به دلیل گناه مرده است، اما روح به دلیل عدالت حیات است.» روح ساکن نه تنها قلب ایمان‌داران را تجدید می‌کند، بلکه او را برای زندگی‌ای که خدا را جلال می‌بخشد، توانمند می‌سازد. عیسی اهمیت این اتحاد را در یوحنا ۱۵: ۵ تأکید می‌کند و می‌گوید: «آن که در من بماند و من در او، اوست که میوه‌ی فراوان می‌آورد.» از طریق این پیوند زنده، ایمان‌داران فراخوانده شده‌اند تا رشد روحانی را دنبال کنند، در خدمت وفادارانه مشارکت کنند و امید به هم‌نشینی ابدی با خدا را گرامی دارند.

اتحاد با مسیح، نهایتاً امید تزلزل‌ناپذیر ایمان‌داران است. این پیوند فراتر از زمان حال است و ایمان‌داران را به جلال آینده‌ای که انتظار آنان را می‌کشد، اشاره می‌دهد. پولس این موضوع را در فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱ بیان می‌کند: «اما شهروندی ما در آسمان است و از آنجا نجات‌دهنده‌ای، یعنی عیسی مسیح خداوند، را انتظار داریم که بدن پست ما را به شباهت بدن جلال یافته‌ی خود تبدیل خواهد کرد.» این جلال نهایی ایمان‌داران را به شباهت کامل با تصویر مسیح می‌رساند و آنان را از گناه، رنج و مرگ رهایی می‌بخشد و اجازه می‌دهد که محبت و حضور خدا را به‌طور کامل تجربه کنند (اول یوحنا ۳: ۲؛ مکاشفه ۲۱: ۴). این امید آینده با اطمینان پولس در رومیان ۸: ۳۸-۳۹ تقویت می‌شود که می‌گوید: «هیچ چیز قادر نیست ما را از محبت خدا که در مسیح عیسی، خداوند ماست جدا سازد.» پرسش و پاسخ‌های هایدلبرگ این اطمینان را به‌زیبایی بیان می‌کند و به ایمان‌داران یادآوری می‌کند که «ما در بدن و جان خود، در زندگی و مرگ، به نجات‌دهنده‌ی وفادار خود، عیسی مسیح تعلق داریم.»

چشم‌انداز اتحاد با مسیح نه تنها تحول‌آفرین، بلکه ابدی است و به ایمان‌داران اطمینان می‌دهد که روزی مسیح را رو در رو خواهند دید، در جلال او شریک خواهند شد و برای همیشه در محبت او خواهند زیست (اول قرن‌تین ۱۳: ۱۲). این امید عمیق در یهودا به اوج می‌رسد: «الان او را که قادر است، که شما را از لغزش محفوظ دارد و در حضور جلال خود شما را بی‌عیب به فرحی عظیم قائم فرماید، یعنی خدای واحد و نجات‌دهنده‌ی ما را جلال و عظمت و توانایی و قدرت باد، الان و تا ابدالآباد. آمین.» (یهودا ۱: ۲۴-۲۵). اتحاد با مسیح هویت، هدف و امید نهایی ایمان‌داران را تأمین می‌کند و آنان را به هم‌نشینی ابدی با خدای تثلیث اقدسی دعوت می‌کند. چنان‌که جان کلون یادآوری می‌کند: «انجیل نه آموزه‌ای زبانی بلکه آموزه‌ای برای زندگی



است.» از طریق این اتحاد، ایمان‌داران به زندگی‌ای فراخوانده می‌شوند که منعکس‌کننده‌ی جلال مسیح است و با وعده‌ی هم‌نشینی ابدی با او پایدار می‌ماند.

این مقاله در وبسایت **اصلاحات** منتشر شده است.

کشیش حمید حاتمی، بنیان‌گذار سازمان مسیحی مهر و مدیر بخش فارسی این سازمان، و اولین ایرانی‌تباری است که در کلیسای پرزبیتری آمریکا (Presbyterian Church in America) به‌عنوان کشیش، دست‌گذاری شده است. او پیش از تحصیل الاهیات (M.Div) در دانشگاه الاهیات Reformed Theological Seminary در دالاس-تگزاس، تحصیلات خود را در رشته‌های مهندسی نرم‌افزار، دیتا ساینس، و امنیت شبکه انجام داده و فارغ‌التحصیل شد. هدف او تجهیز و تعلیم خادمینی برای بنای کلیساهای وفادار به کتاب مقدس در خاورمیانه و میان فارسی‌زبانان است.